

مناسبات ایران و آمریکا در سالی که گذشت

با وجود آنکه در ابتدای دور دوم ریاست جمهوری جورج بوش، بسیاری از مفسران سیاسی در آمریکا «مسأله ایران» را بزرگترین معضل سیاست خارجی او در این دوره خوانده بودند، در مجموع در طول سال ۲۰۰۵ کابینه بوش روشی ملایم تر از آنچه پیش بینی می شد در قبال ایران در پیش گرفت. دولت آمریکا سرانجام از اقدامات یک جانبه و تهدیدات لفظی چشم پوشید و از مذاکرات سه کشور اروپایی - فرانسه، آلمان و بریتانیا - با ایران حمایت کرد. جورج بوش و خانم کاندولیزا رایس وزیر امور خارجه دولت او، در سفرهایی که به اروپا داشتند اعلام کردند برای حل اختلافات، راه حل های دیپلماتیک را ترجیح می دهند. بنا به گزارش وال ستریت جورنال آمریکا حتا حاضر شد به ایران امتیازات اقتصادی بدهد و از عضویت ایران در «سازمان تجارت جهانی» (WTO) حمایت کند به این شرط که ایران نیز حاضر شود روند غنی سازی اورانیوم برای سوخت هسته ای و احیانا سلاح اتمی را متوقف کند. دلایل اصلی نرزش آمریکا در قبال ایران عبارت بودند از دشواری های فزاینده اشغال نظامی عراق، مخارج سرسام آور این اشغال، کاهش محبوبیت بوش در میان آمریکاییان، و سیل و خرابی های وسیع ایالات جنوبی آمریکا.

در سال ۲۰۰۵ تنها اقلیتی از محافظه کاران آمریکایی در کنگره آمریکا سعی داشتند با تبلیغات شان ایران را خطری جدی و آنی برای امنیت آمریکا قلمداد کنند و کابینه بوش را وادار به حمایت از سازمان مجاهدین و سلطنت طلبان و دخالت نظامی برای سرنگونی رژیم ایران کنند. این گروه سازمانی به نام «ائتلاف برای دموکراسی در ایران» (Coalition for Democracy in Iran) به وجود آورده اند که هدف اش به کارگیری از همه امکانات موجود برای سرنگونی جمهوری اسلامی است.

اما آن عده از نومحافظه کارانی که در کابینه اول بوش طراحان اصلی حمله به عراق بودند (نظیر ریچارد پرل و پل ولفوویتس) اعلام کردند که فشار نظامی به ایران بیهوده است و آنها راغب نیستند راه حل عراق و افغانستان را در مورد ایران پیاده کنند. در عوض به سفارش این عده و ستادهای فکری ای نظیر «شورای روابط خارجه» (Council on Foreign Relations) و «انستیتیوی واشنگتن برای سیاست خاور نزدیک» (The Washington Institute for Near East Policy)، وزارت امور خارجه آمریکا تمایل نشان داد که برای حفظ منافع دراز مدت آمریکا در منطقه (نفت و امنیت)، سناریوی انقلاب های «مخملی» در ایران پیاده شود؛ یعنی با صرف میلیونها دلار کمک به نیروهای خواهان دموکراسی و جامعه

مدنی در ایران، تغییر رژیم از درون و با کمک جوانان، دانشجویان و فعالان حقوق بشر، به شکل صلح آمیز صورت بگیرد.

انتخاب محمود احمدی نژاد و سیاست مقابله جویانه دولت او همراه با خطابه های تند ضد آمریکایی و ضد اسرائیلی اش تا حدودی به این روند لطمه زده و بار دیگر در آمریکا نیروهای افراطی نظامی گرا را تقویت کرده که تبلیغ کنند ایران، به شهادت سخنان احمدی نژاد، به زودی تبدیل به خطری هسته ای برای امنیت اسرائیل و آمریکا خواهد شد. کابینه بوش در عین برجسته کردن خطر نیروی هسته ای ایران، هنوز در جهت انقلاب مخملی حرکت می کند اما سیاست های آینده دولت آقای احمدی نژاد و میزان نفوذ ایران در عراق و دخالت بیشترش در فلسطین از طریق «حزب الله» و «جهاد اسلامی» می تواند دوباره راه حل نظامی را در دستور کار دولت بوش قرار دهد.

۲۷ دسامبر ۲۰۰۵

فشار مجلس سنا به دولت آمریکا برای اقدام علیه ایران

دیروز یکی از سناتورهای حزب جمهوری خواه در مقاله ای در روزنامه «لوس آنجلس تایمز» خواهان آن شد که دولت آمریکا از متحدان اروپایی اش بخواهد علیه ایران دست به تحریم های اقتصادی گسترده بزنند. آقای «بیل فریست» سناتور ایالت تنسی می نویسد: «ملاهای حاکم بر ایران ۲۶ سال است هر صدای ناراضی را در کشورشان سرکوب کرده اند و با حمایت از ترور، اکنون به دنبال برنامه کسب سلاحهای اتمی اند. تلاش بین المللی در هفته های اخیر برای متوقف کردن ایران نتیجه ای نداده و اگر ما به سرعت اقدام نکنیم، ایالات متحده با یک بحران اتمی مواجه خواهد شد.»

آقای بیل فریست زمانی این هشدار را به کابینه بوش می دهد که چند روز پیش تر از آن در مجلس سنا میان جمهوری خواهان و دموکرات ها بر سر نحوه محکوم کردن ایران اختلافاتی بروز کرد. هفته گذشته، سناتورهای جمهوری خواه قطعنامه ای را برای تصویب به سنا بردند که در آن سخنان یهودی ستیزانه محمود احمدی نژاد محکوم شده بود. متن این قطعنامه را سناتور ایالت پنسیلوانیا آقای «ریک سانتوروم» نوشته بود و در آن از حرکت مردم ایران برای خودمختاری در قبال دولت شان و برگزاری یک فراندمن ملی در ایران حمایت شده بود. چند تن از سناتورهای حزب دموکرات با این قطعنامه مخالفت کردند و

خواستند جمله های مربوط به رفراندوم و خود مختاری از آن حذف شود. در نتیجه قطعنامه با زبان ملایم تری به تصویب رسید.

ایالات متحده سالهاست که تجارت، سرمایه گذاری و هرنوع همکاری اقتصادی با ایران را غیر قانونی کرده است. طبق قانون، رییس جمهور موظف است در در مجامع بین المللی با کمک های اقتصادی به ایران مخالفت کند و شرکت هایی را هم که به این کار اقدام می کنند مجازات کند. سناتور بیل فریست اعتقاد دارد اکنون وقت آن رسیده که آمریکا به طور جدی از متحدان خود بخواهد علیه ایران دست به یک تحریم همگانی و جهانی بزند. او می نویسد: «در ابتدا باید همه تسهیلات فنی مربوط به انرژی اتمی تحریم شود، سپس فروش اسلحه و ابزارهای نظامی و پس از آن، انواع تکنولوژی های غیر نظامی و ماشین آلات صنعتی، به استثنای مواد غذایی و طبی.»

علاوه بر سنای آمریکا، یکی دیگر از ارگانهای قدرتمند سیاسی در این کشور که تاکنون همیشه از جورج بوش حمایت کرده، برای اولین بار دست به انتقاد از کابینه بوش زده است که چرا در قبال برنامه هسته ای ایران کوتاه آمده است. «کمیته امور عمومی آمریکا و اسرائیل» (AIPAC) که از منافع کشور اسرائیل در آمریکا دفاع می کند، در بیانیه های مطبوعاتی روزهای اخیرش سیاست های دولت بوش را «خطرناک»، «نگران کننده» و «نامناسب» و حتا کمک کننده به ایران نامیده است.

پس از آنکه کابینه بوش تصمیم گرفت در حال حاضر از خواست ارجاع ایران به شورای امنیت سازمان ملل به طور موقت دست بردارد و از پیشنهاد مسکو در جلب همکاری ایران حمایت کند، محافظه کاران افراطی آمریکا در کنگره و ستادهای فکری همراهی با آنها، صدای انتقادشان را از دولت بالا برده اند. سخنرانی های آقای احمدی نژاد و انعکاس منفی آن در رسانه ها به آنها کمک زیادی کرده است که بتوانند فشارشان را بر کابینه بوش بیشتر کنند تا زودتر علیه ایران اقدام کند.

۲۷ دسامبر ۲۰۰۵

عبدی کلانتری - نیویورک